

۲
سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ وطن‌امروز شماره ۴۶۸۷
 ایران
اخبار

حمله پهبادی

به دفتر نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق

عملیات پرچم دروغین در اربیل

سرویس مبارزه با تروریسم اقلیم کردستان عراق دیروز اعلام کرد دفتر نخست‌وزیر اقلیم در اربیل توسط یک پهباد هدف قرار گرفت. در بیانیه‌ای که خبرگزاری شفق منتشر کرد، آمده است این سرویس اعلام کرد: «صبح دیروز ۲ پهباد انتحاری از نوع هایدل ۱۱۰ به سمت دفتر خصوصی مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم و محل اقامت مدیر سرویس‌های امنیتی منطقه‌ای (آجاسی پاراستین) در شهر پیرام استان اربیل برپا شد. در این بیانیه آمده است «این حملات هیچ تلفاتی نداشته است». در این بیانیه این حملات غیرقابل قبول دانسته و تأکید شده عاملان را «کاملاً مسؤول عواقب آنها» می‌داند. در چند وقت اخیر اربیل و مناطق دیگری از اقلیم شمال عراق هدف حملات پهبادی قرار گرفته است.

■ **المیادین: حادثهٔ اربیل عملیات پرچم دروغین بود**

یک منبع ارشد ایرانی در گفت‌وگو با المیادین، حادثه دیروز اربیل اقلیم کردستان عراق را نمونه‌ای دیگر از عملیات موسوم به «پرچم دروغین» توصیف کرد. پیش‌تر خبرگزاری رسمی عراق به نقل از نهاد مبارزه با تروریسم کردستان عراق اعلام کرد: ۲ پهباد دفتر نخست‌وزیر حکومت اقلیم و محل اقامت مدیر اداره امنیت را هدف قرار داد.

■ ■ ■

توضیحات سخنگوی وزارت امور خارجه

درباره ابهام پایان مهلت تفاهنامه

۶۰روز دربارۀ مذاکره بود

نه آتش‌بس

سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری دیروز خود با تشریح آخرین وضعیت تفاهنامه ایران و آمریکا و مذاکرات تهران و مسقط درباره تنگه هرمز، تأکید کرد مهلت ۶۰ روزه مطرح‌شده در تفاهنامه اسلام‌آباد، برخلاف برخی روایت‌ها، یک ضرب‌الاجل برای جمهوری اسلامی ایران نبوده و در شرایط فعلی نیز اساساً موضوعیت ندارد. اسماعیل بقالی در پاسخ به پرسشی درباره پایان مهلت ۶۰ روزه ذیل تفاهنامه اسلام‌آباد و برنامه ایران برای مواجهه با تهدیدات امنیتی تأکید کرد: «ما در متن تفاهم موضوعی تحت عنوان مهلت ۶۰روز نداریم. اساساً بارها ثابت شده است که جمهوری ایران طرفی نیست که تحت فشار، اولتیماتوم و مهلت زمانی، سیاست‌های خود را تنظیم کند. ما بر اساس منافع ملی و ارزیابی‌های خود از آنچه تأمین‌کننده و تضمین‌کننده منافع و امنیت ملی است، تصمیم‌گیری می‌کنیم». سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه توضیح داد آنچه در تفاهنامه آمده بود، پیش‌بینی یک دوره زمانی ۶۰ روزه برای گفت‌وگو درباره ۲ موضوع رفع تحریم‌ها و مساله هسته‌ای بود. بقالی افزود: «آنچه در تفاهنامه آمده بود که در حال حاضر به دلیل نقض‌های فاحش آمریکا، وضعیت اجرای آن کاملاً روشن و غیرفعال است، پیش‌بینی کرده بود طی یک دوره زمانی ۶۰ روزه درباره ۲ موضوع «رفع تحریم» و «مساله هسته‌ای» گفت‌وگو شود و اگر طی این ۶۰روز به نتیجه نرسیدیم، تمدید شود» وی با اشاره به اینکه این مذاکرات اساساً آغاز نشده، ادامه داد: «مذاکره هرگز شروع نشده، به این دلیل که آمریکا تنها چند هفته پس از امضای یادداشت تفاهم در ۲۸ خرداد، دست به نقض فاحش و گسترده متن آن زد لذا اساساً بحث ۶۰ روزه نقش دیگر موضوعیت ندارد». در بخش دیگری از این نشست، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره روند تفاهم ایران و عمان درباره تنگه هرمز نیز توضیح داد. وی در پاسخ به این پرسش که چرا روند رسیدن به توافق نهایی میان تهران و مسقط طولانی شده، اظهار کرد: «من ۳ عامل عمده را خدمت‌تان عرض می‌کنم که چرا این روند همچنان ادامه دارد؛ بقالی نخستین عامل را پیچیدگی موضوع دانست و گفت: «در نظر داشته باشید نامنی تنگه هرمز بر ما، منطقه و کل جهان تحمیل شده، دلایلش هم اقدام نظامی غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. موضوع بسیار پیچیده است. شما برای اولین‌بار می‌خواهید سازوکاری را تدوین کنید که هم حاکمیت و حقوق حاکمیت ۲ کشور ساحلی را تأمین و هم تردد ایمن کشتی‌های تجاری در این آبره فراهم کند». وی دومین عامل را تعدد بازیگرانی دانست که تلاش می‌کنند در این روند اثرگذار باشند و درباره عامل سوم نیز گفت: «شاید مهم‌تر از این دو، تلاش برخی طرف‌های بدسگالی است که نشان دادند هیچ‌وقت به صلح و امنیت منطقه بها نمی‌دهند و اساساً دوست دارند منطقه ما همیشه در حالت کشمکش و آشوب باشد». سخنگوی وزارت امور خارجه در عین حال تأکید کرد طولانی‌شدن مذاکرات به معنای توقف روند تفاهم نیست: «گفت‌وگوها بین ایران و عمان با جدیت ادامه دارد. در مورد متن بیانیه مشترک، دیدگاه‌ها تبادل می‌شود و ۲ طرف تا اینجا کار نشان داده‌اند مصممند برای تدوین سازوکاری که تأمین‌کننده مصالح و نگرانی‌های ۲ طرف باشد و همزمان ملاحظات مربوط به کشتیرانی بین‌المللی را هم تأمین کند. اقدام کنند». بقالی در بخش دیگری از نشست، خبر برگزاری نشست مجرمانه ایران و آمریکا در اربیل را «کاملاً ساختگی» خواند و آن را بخشی از عملیات روانی برای ایجاد اختلاف میان ارکان تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی دانست. وی تأکید کرد: «هیات مذاکره‌کننده الحمدلله مورد اعتماد کامل همه ارکان نظام، از جمله بخش‌های دفاعی کشور قرار دارد و هر تصمیمی درباره مذاکره و گفت‌وگو با لحاظ دیدگاه‌ها و ملاحظات تمام بخش‌های نظام اتخاذ خواهد شد». سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین درباره نقش کشورهای مختلف در تلاش برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن گفت: «میانجی موضوعات مرتبط با ایران و آمریکا، پاکستان است و قطر هم تلاش می‌کند». وی در عین حال تأکید کرد تماس کشورهای اروپا و اعلام آمادگی این‌ها برای ارائه مساعی جمیله به شکل‌گیری میانجی‌های جدید نیست. بقالی همچنین با اشاره به تغییر اولویت‌های اعلام شده از سوی مقامات آمریکا درباره جنگ، آن را نشانه سردرگمی واشنگتن دانست و اظهار کرد: «این نشانه نادوم سردرگمی و اثبات این واقعیت است که از ابتدا این جنگ تحمیلی هیچ مبنای و دلیلی نداشت جز ازادی مطامع یک رژیم اشغالگر در منطقه ما». وی همچنین درباره وضعیت تنگه هرمز تصریح کرد: «لاان دغدغه آنها بازگشایی تنگه‌ای است که اساساً قبل از ۹ اسفند باز بود و تجاوز نظامی آنها باعث شد منطقه ما گرفتار این ناامنی شود و جهان از تبعات این وضعیت آسیب ببیند».

گروه سیاسی: رئیس دولت تروریست آمریکا حالا در موقعیتی قرار گرفته که فاصله میان تصویری که از پیروزی در جنگ علیه ایران در ذهن داشت و سیلی واقعیتی که پس از نزدیک ۶ ماه به صورت نحسش خورده، هر روز بیشتر می‌شود. جنگی که قرار بود طبق محاسبات اولیه واشنگتن و تل‌آویو ظرف ۳ روز به نتیجه برسد و با وارد کردن ضربات سنگین نظامی، توانمندی موشکی ایران را از بین برده و با فروپاشی جمهوری اسلامی در نهایت منجر به تجزیه ایران شود، نه‌تنها به پایان نرسیده، بلکه به یک بن‌بست فرسایشی برای ترامپ تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران با قوت پابرجاست، تنگه هرمز در کنترل کامل تهران قرار دارد، اهداف اعلام‌شده آمریکا یکی پس از دیگری از مواضع رسمی واشنگتن کنار گذاشته می‌شوند و ایالات متحده با هزینه‌های فزاینده نظامی و سیاسی جنگ دست و پنجه نرم می‌کند.

اما آنچه اکنون بیش از خود، بن‌بست جنگ اهمیت یافته، نحوه واکنش ترامپ به این وضعیت است. به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا هرچه کمتر قادر است معادله را در برابر ایران تغییر دهد، بیشتر تلاش می‌کند فشار و خشم خود را متوجه کسانی کند که از نظر او در موقعیتی آسیب‌پذیرتر قرار دارند؛ از کرجنوبی، یکی از قدیمی‌ترین متحدان آمریکا در شرق آسیا تا عمان، شریک راهبردی دیرینه واشنگتن در خلیج فارس و مهم‌ترین میانجی سنتی منطقه. در واقع، چیزی که اکنون از رفتار ترامپ درسیسم می‌شود، تصویر شخصی است که در برابر حریفی که نتوانسته آن را به زانو درآورد، با محدودیت‌های جدی مواجه شده و در مقابل، فشار را به سمت متحدان و شرکای خود منتقل می‌کند.

■ **وقتی شکست از ایران، گریبان متحد آمریکا را می‌گیرد**

مجله آمریکایی آتلانتیک در گزارشی با عنوان «ترامپ می‌خواهد کره جنوبی توان تحقیر او در ایران را بدهد»، استدلال کرد آمریکا در حال شکست در جنگ علیه ایران است. نویسنده گزارش تأکید می‌کند ایران همچنان سرسختانه ایستاده، بخش بزرگی از اقتصاد جهان اکنون بیش از ۶ ماه است در معرض تهدید قرار گرفته، منابع نظامی آمریکابیش از حد تحت‌فشار قرار گرفته و ذخایر مهمات آن به شکل خطرناکی کاهش یافته است.

این رسانه همچنین به مجموعه‌ای از ناکامی‌ها و تحقیرهایی اشاره کرد که ترامپ طی ماه‌های اخیر علیه ایران، با آنها مواجه شده و در همین چارچوب، به ماجرای خروج اخیر وی از ترکیه نیز اشاره دارد؛ اتفاقی که ترامپ را مجبور کرد به دلیل تهدید احتمالی از سوی تهران، در یک کامیون حمل غذا پنهان شده و با یک هواپیمای پشتیبان منطقه را ترک کند.

در این میان، رئیس‌جمهور آمریکا به وزارت جنگ آن کشور دستور داده مشارکت در رزمایش نظامی سالانه با کره جنوبی را «به‌طور قابل توجهی کاهش دهد». استدلال اعلامی ترامپ این است که این فعالیت‌ها هزینه‌بر است و از سوی دیگر، به دوستان او در کره شمالی توهین می‌شود! اما آلتانتیک معتقد است دلیل اصلی تصمیم ترامپ را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. وی

در همان پستی که از کاهش مشارکت در رزمایش خبر داده، گلابیه کرده کرجنوبی به او برای شکست دادن ایران کمک نکرد، او نوشت اخیراً از رئیس‌جمهور کرجنوبی پرسیده آیا سنول مایل است در «خلع سلاح هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» به آمریکا ملحق شود و پاسخ کرجنوبی «نه، ممنون» بوده است. بر اساس این گزارش، کاهش مشارکت آمریکا در رزمایش مشترک با کره جنوبی تصمیمی است که هیچ کمکی به حل مشکلات واشنگتن در برابر ایران نمی‌کند و صرفاً یک متحدر ا تضعیف و دشمنان آمریکا را برای آزمودن اراده واشنگتن تحریک می‌کند. آتلانتیک معتقد است چنین اقدامی این پیام را به دیگر کشورها منتقل می‌کند که دولت آمریکا در دوران ترامپ سست و غیرقابل اتکاست. آتلانتیک در ادامه از سطح یک تصمیم نظامی فراتر می‌رود و آن را بخشی از الگوی رفتاری ترامپ می‌داند. اینکه در جهان ترامپ هر شکست و هر ناکامی به یک توهین شخصی تبدیل می‌شود و هنگامی که اتفاقی بر خلاف انتظار او رخ می‌دهد، باید کسی مسؤول شناخته شود؛ با این تفלות که آن فرد هرگز خود وی نیست!

رسانه آمریکایی تصریح کرد ترامپ برای کسب افتخار شخصی وارد جنگ علیه ایران شد اما نتیجه‌ای که نصیبش شده، تحقیر و ناکامی مداوم است و او این وضعیت را تحمل نمی‌کند و به همین دلیل، فشار ناشی از شکست از ایران را متوجه متحدانی می‌کند که می‌داند توان یا اراده ضربه‌منتقال به آمریکا را ندارند. در همین بستر، آتلانتیک ۳ تاوانی رئیس دولت آمریکا را به رخ وی می‌کشد: ترامپ نتوانست ایران را به زانو درآورد، نتوانست ذخایر تسلیحاتی آمریکا را که در این جنگ مصرف شده دوباره بر کند و نتوانست از نیروهای نظامی‌ای که در معرض خطر قرار داده، آنگونه که باید مراقبت کند. پس نتیجه روشن است: وقتی ترامپ نمی‌تواند اقدامی علیه ایران انجام دهد، باید فرد دیگری تاوان بدهد و در این مقطع، کرج جنوبی هدف مناسب‌تری است.



■ **زور آمریکا به تنگه هرمز نمی‌رسد، عمان تهدید می‌شود!**
این الگو را می‌توان در یکی دیگر از رفتارهای اخیر ترامپ نیز مشاهده کرد: جایی که عمان، شریک دیرینه آمریکا در منطقه، یک بار دیگر هدف تهدید مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت. ترامپ روز دوشنبه در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز، درباره مذاکرات ایران و عمان بر سر توافق احتمالی درباره تنگه هرمز مورد سؤال قرار گرفت. پاسخ او این بود: اگر عمان سر راه اهداف آمریکا قرار گیرد، ایالات متحده به‌شدت آن را بمباران خواهد کرد. این تهدید را نمی‌توان جدا از وضعیت تنگه هرمز درک کرد. آبراهی که پیش از جنگ محل تردد روان کشتی‌ها و نفتکش‌های حامل انرژی جهان بود، اکنون در وضعیتی قرار دارد که ایران کنترل آن را در دست گرفته و آمریکا نتوانسته به رغم همه تلاش‌هایش، این وضعیت را تغییر دهد. در چنین شرایطی، ترامپ ناکام از تغییر موازنه در تنگه و ناتوان از وادار کردن ایران به بازگشایی هرمز، شریک دیرینه خود عمان را تهدید به بمباران می‌کند.

حالا ترامپ در اظهار نظری عجیب گفته اگر در توافق میان عمان و ایران، مسیرهای مورد نظر آمریکا نادیده گرفته شود، او عمان را بمباران می‌کند. منظور ترامپ از مسیرهای آمریکایی، مسیر جنوبی تنگه هرمز است که آمریکا با ایجاد آن عملاً تفاهنامه خاتمه جنگ با ایران را نقض کرد. در بند ۵ تفاهنامه صراحتاً تأکید شده نحوه تردد از تنگه هرمز در یک توافق میان ایران و عمان تعیین می‌شود اما حالا که توافق ایران و عمان نهایی شده، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش می‌کند در مفاد آن دخالت کند و حتی عمان، کشوری که همواره روابط خوبی با واشنگتن داشته از تهدید به بمباران می‌کند.

سلطان‌نشین عمان نه‌دشمن آمریکاست و نه حتی یک رقیب منطقه‌ای واشنگتن است. برعکس، این کشور طی دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای آمریکا بوده است.

گزارش «وطن امروز» از مرحله بعدی رقابت تهران و واشنگتن

جنگ درپساجنگ

یک محاسبه ساده نظامی فاصله گرفته و به توان ایران برای تغییر محیط استراتژیک رسیده است.

■ **جهش قدرت ایران در «اثرگذاری بر دیگران»**

اینجاست که باید معنای «قوی‌تر شدن ایران» را دقیق‌تر تعریف کرد. قوی‌تر شدن به این معنا نیست که ایران امروز از آمریکا قدرت نظامی بیشتری دارد؛ یا در شاخص‌های اقتصادی با واشنگتن قابل مقایسه است، معنای دقیق‌تر آن این است که هزینه نادیده گرفتن ایران برای دیگران افزایش یافته. آمریکا نمی‌تواند درباره امنیت خلیج فارس بدون محاسبه واکنش تهران تصمیم بگیرد، اروپا نمی‌تواند مساله انرژی را بدون در نظر گرفتن وضعیت هرمز مدیریت کند، کشورهای عرب نمی‌توانند امنیت خود را بدون توجه به توان ایران برای گسترش میدان بحران ارزیابی کنند و کشورهای آسیا نیز نمی‌توانند امنیت انرژی و مسیرهای تجاری خود را از تحولات ایران جدا کنند. قدرت در اینجا به‌صورت «فخوذ مستقیم» ظاهر نمی‌شود، بلکه در قالب قدرت تحمیل محاسبه ظهور می‌کند. حتی بازیگری که ایران را رقیب یا دشمن خود می‌داند، مجبور است ایران را در معادله وارد کند. این شاید مهم‌ترین تعریف قدرت استراتژیک در جهان جغقتلبی امروز باشد.

■ **از هرمز تا بازار جهانی: یک اهرم محلی با پیامد جهانی**

تنگه هرمز دقیقاً به همین دلیل اهمیت دارد. اگر یک اقدام ایران در خلیج فارس بتواند قیمت نفت را در بازارهای جهان تغییر دهد، بر هزینه سوخت در آمریکا و اروپا اثر بگذارد، محاسبات بانک‌های مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد و کشورهای آسیا را به تکاپوی جست‌وجوی مسیرهای جایگزین وادار کند، آنگاه ایران در حال اعمال نوعی قدرت جهانی است؛ حتی اگر این قدرت از این نقطه جغرافیایی بسیار محدود سرچشمه گرفته باشد. گزارش گاردین از جهش قیمت نفت پس از تشدید تنش‌ها و سپس کاهش شدید قیمت‌ها پس از توقف حملات آمریکا، به‌خوبی نشان می‌دهد تصمیمات نظامی و سیاسی مربوط به ایران چگونه مستقیماً به بازارهای دنیا منتقل می‌شود. رویترز در گزارش ۹ اگوست نشان داد حتی خبرهای مربوط به احتمال بازگشایی هرمز می‌تواند بازار نفت را به سرعت تغییر دهد. بنابراین هرمز برای ایران فقط یک ابزار نظامی نیست، یک بلندگوی ژئوپلیتیک است که صدای آن در بازارهای جهان شنیده می‌شود.

■ **جهش قدرت هنوز تثبیت نشده**

با همه اینها نباید در ارزیابی این تحول دچار اغراق شد. جهش قدرت استراتژیک با تثبیت قدرت استراتژیک تفاوت دارد. ایران اکنون یک فرصت مهم در اختیار دارد اما این فرصت تنها زمانی به یک تحول پایدار تبدیل خواهد شد که بتواند دستاوردهای بحران را به ساختارهای بلندمدت قدرت منتقل کند. اگر موقعیت هرمز فقط در شرایط جنگ قابل استفاده باشد، یک اهرم موقت باقی خواهد ماند اما اگر ایران بتواند از موقعیت جغرافیایی خود برای تبدیل شدن به مرکز ترازینت انرژی و تجارت منطقه استفاده کند، آنگاه این جغرافیا به قدرتی پایدار تبدیل می‌شود. اگر توان نظامی صرفاً برای بازدارندگی استفاده شود، ارزش آن محدود می‌م‌د اما اگر پشتوانه یک دیپلماسی فعال برای تبدیل بازدارندگی به امتیاز سیاسی باشد، قدرت آن چند برابر خواهد شد. هدف راهبردی تهران باید تبدیل «اهرم بحران» به «مزیت نظم منطقه‌ای» باشد. این همان نقطه‌ای است که پیروزی تاکتیکی می‌تواند به دستاوردهای استراتژیک تبدیل شود.

■ **از «قدرت مقاومت» به «قدرت شکل‌دهندگی»**

ایران طی دهه‌های گذشته در تولید یک نوع مهم از قدرت

با وجود تأکید بند ۵ تفاهنامه بر تعیین وضعیت ترده‌ها در تنگه هرمز بر اساس توافق میان ایران و عمان

ترامپ مسقط را تهدید کرد در صورتی که مسیر جنوبی را حذف کند، بمباران می‌شود

دخالت دیوانه

بنابراین تهدید مستقیم عمان نشان می‌دهد فشار ناشی از بن‌بست جنگ تا چه اندازه دامنه رفتارهای ناشی از استیصال ترامپ را گسترش داده است.

در واقع اگر قرار بود جنگ طبق محاسبات اولیه واشنگتن ظرف ۳ روز به نتیجه برسد، آمریکا امروز نباید برای بازگرداندن شرایط تنگه هرمز به وضعیت پیش از جنگ، متحد و شریک خود را تهدید به بمباران می‌کرد.

این رفتار در حالی رخ می‌دهد که آمریکا از یک سو نتوانسته ایران را از مواضع محکم خود عقب براند و از سوی دیگر، رضایت متحدان منطقه‌ای خود را نیز از دست داده است. روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست اخیراً در گزارشی از افزایش ناراضیاتی متحندان آمریکا در خلیج فارس خبر داد و نوشت: سعودی، امارات، قطر، کویت و بحرین در ناراضیاتی از دولت ترامپ به یکدیگر نزدیک شده‌اند. یکی از مقامات کشورهای خلیج فارس در گفت‌وگو با واشنگتن پست صراحتاً گفت: «ترامپ این جنگ را آغاز کرد و ما داریم هزینه آن را می‌پردازیم».

رسانه فوق ادعان کرد برخی از این کشورها اکنون درباره سودمندی ادامه میزبانی از تأسیسات نظامی بزرگ آمریکا در خاک خود بحث می‌کنند.

■ **هزینه شکست ترامپ روی دست متحندان آمریکا**

اهداف اولیه آمریکا از آغاز جنگ علیه ایران به‌تدریج کاهش یافته، تغییر کرده و حالا به تثبیت قیمت انرژی و بازگشایی تنگه هرمز محدود شده اما در برابر متحندان آمریکا، ادبیات ترامپ تندتر شده است. کرج جنوبی به دلیل امتناع از همراهی با آمریکا در جنگ علیه ایران با کاهش همکاری نظامی مواجه می‌شود، عمان به دلیل مذاکره با ایران درباره تنگه هرمز، تهدید به بمباران می‌شود و کشورهای عرب خلیج فارس نیز در حال تجربه هزینه‌های جنگی هستند که واشنگتن نتوانست آن را به نتیجه دلخواه برساند.

این شاید یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فرسایش راهبرد آمریکا در جنگ علیه ایران باشد. اکنون ترامپ با یک مساله اساسی مواجه است: نمی‌تواند ایران را انطور که وعده داده بود شکست دهد، قادر نیست وضعیت تنگه هرمز را به حالت قبل برگرداند و نمی‌تواند به‌سادگی هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی جنگ را جبران کند. در نتیجه، به نظر می‌رسد سادهدن نیز گزینه برای او، اعمال فشار بر متحدانی است که در مقابل ایالات متحده زبانی برای دفاع از حیثیت خود ندارند و آسیب‌پذیرتر هستند. این رویکرد اما برخلاف تصور ترامپ، او را از بن‌بست خارج نمی‌کند. تهدید متحندان ممکن است برای مدتی کوتاه خشم ناشی از ناکامی را تخلیه‌کند ولی هم‌زمان اعتماد آنها به آمریکا را فرسوده‌تر می‌کند. اگر کرج جنوبی، عمان و کشورهای عرب خلیج فارس به این نتیجه برسند واشنگتن در لحظه بحران نه‌تنها قادر به حل بحران نیست، بلکه آنها را قربانی ناکامی‌هایش می‌کند، آنگاه هزینه راهبردی این رفتار برای آمریکا بسیار بیشتر از یک اختلاف مقطعی با یک متحد خواهد بود.